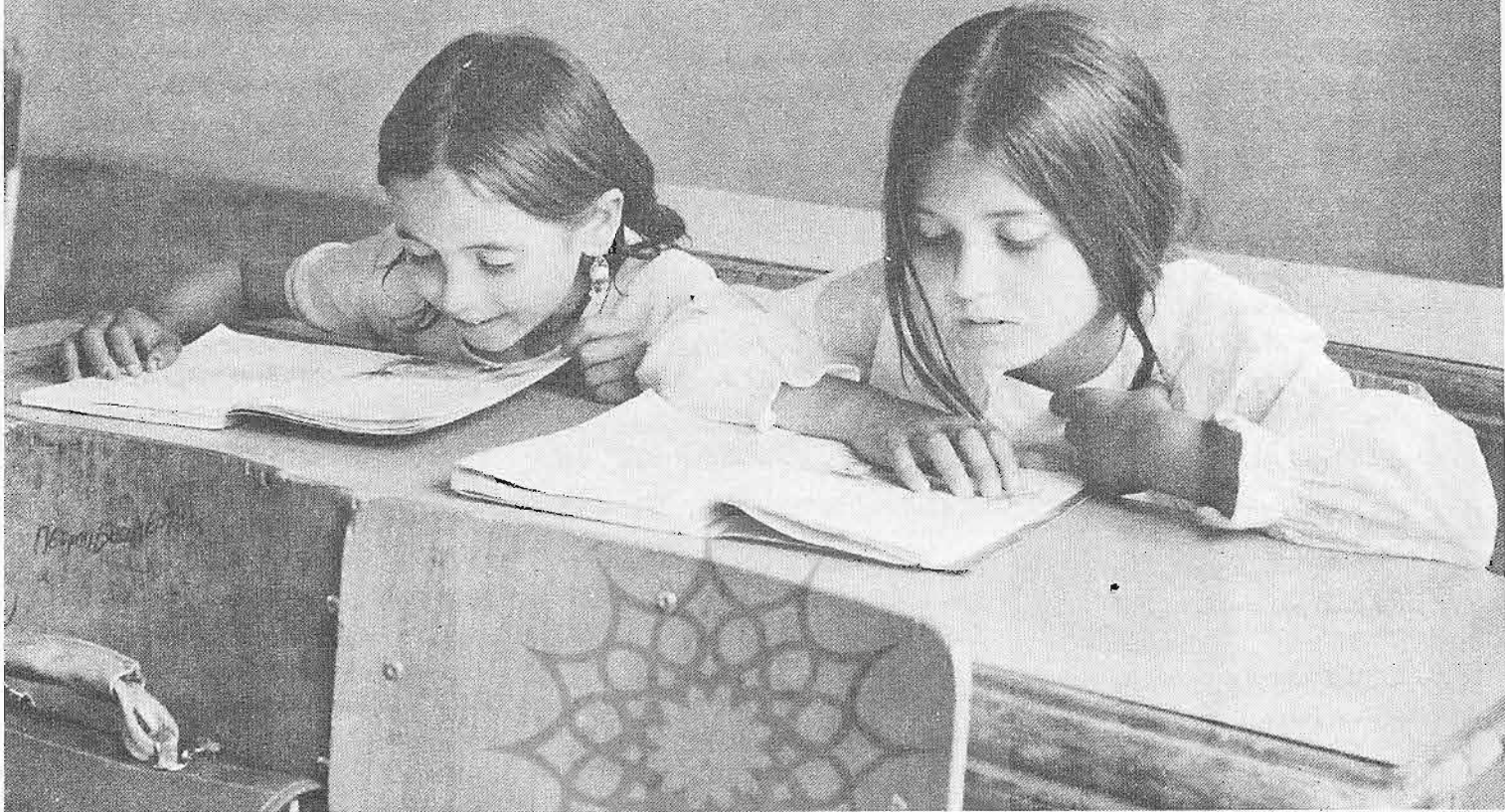


# «آوای آواره»

نوشته جولیه سوراویا



این دو دختر کولی در مدرسه دولتی در سالونیک یونان مشغول آموختن تاریخ و فرهنگ کشور یونان که در آن زندگی می‌کنند هستند.

رها یا رمانی‌ها (کولیا) نمونه خاص و بارزی از این نظریه هستند که زبان هر قوم کلید تعیین هویت آن است.

کولیا با اینکه در طی قرون در سراسر دنیا پراکنده شده‌اند، زبان آنها دلیلی قاطع بر منشأ واحد آنهاست. زبان مشترک کولیا به دنبال بخش شدن گروههایی از آنها در پنج قاره جهان لهجه‌های مختلفی به خود گرفته است که در عین پیوند داشتن با سرزمین اصلی آنها یعنی با هند هر یک نشان دهنده مسیر مهاجرت کولیان نیز هست.

موضوع قابل توجه و آنچه که اولین پژوهشگران این رشته را به تعجب واداشت شباهت پیگیر و همه جانبه شکل‌های دستوری این لهجه‌ها با زبانهای هند و اروپایی کنونی و رایج در هند و همچنین وجود کلماتی در واژگان پایه آنها بود که علی‌رغم بعضی تغییرات آوایی همچنان در زبانهای هندی، پنجابی و دردی رایج هستند.

این امر شگفت نیست، زیرا هزار یا بیش از هزار سال پیش، هنگامی که اجداد چادرنشین کولیهایی امروزی سفر طولانی خویش را به سوی غرب آغاز کردند، اغلب مجبور بودند که در نقاط مختلف اتراق کنند و گاهی این اتراق طولانی نیز بود؛ مجاورت آنها با مردمانی که دارای زبان‌ها و فرهنگهای متفاوتی بودند سبب شد که بعضی از

امروز نیز گروهی از چادرنشینان در هند هستند که خود را دم می‌نامند.

بسیاری از گروههای چادرنشین هند یادآور منشأ کولیان اروپا هستند. مهم‌ترین آنها گروههای یابخارا و لامانا هستند که زبان آنها با زبان برادران اروپایی‌شان کاملاً فرق دارد، زیرا اگرچه آنها در سرزمین اصلی خود باقی ماندند، زبان آنها شدیداً تحت فشار فرهنگ بکجانشینی قرار گرفت. این امر، بدون اینکه گفته بالا را نقض کند، دلیل دور شدن زبان این گروه از زبان کولیان اروپاست.

سیر کولیان اروپا کند اما مستدام بود. علی‌رغم خوشاوندی میان زبانهای هندی و ایرانی، مسافرت کولیان در آسیا تأثیر عمیقی بر زبان آنها باقی نگذاشت. با اینهمه زبان رومانی جیب، زبان کولیان اروپا، بدون شک حاوی عناصری وام گرفته از زبانهای ایرانی و ارمنی است.

واژه‌هایی از ریشه زبانهای ایرانی، نظیر بخت، امبرول (امرو)، انگستری (انگستری)، خانگری (کلیسا)، روف (گرگ) و وردن (واگن)، در تمام لهجه‌های کولیان اروپا یافت می‌شود. واژه‌هایی از ریشه ایرانی و ارمنی نظیر زور (قدرت) و سیکات (جبهه) و واژه‌هایی از ریشه ارمنی نظیر باو (اجاق) و گراست (اسب) نیز وجود دارند. ◀

عناصر آن زبانها و فرهنگها به کولیان منتقل شود. اینهمه، کولیا رسم نداشتند که مدتی طولانی در جایی بمانند و در نتیجه زمان کافی برای همگونی کامل و یکپارچه شدن با فرهنگهای دیگر و از دست دادن هویت و اصالت وجود نداشت.

کولیا حتی زمانی که در یک نقطه اتراق می‌کردند، در مقیاسی محلی به زندگی چادرنشینی ادامه می‌دادند. در خاورمیانه گروههایی از کولیان وجود داشتند که خود را دم (Dom) می‌نامیدند، اما همسایگان آنها تحت نامهای دیگری (مثلاً ناوار در فلسطین) آنها را می‌نامیدند. این نام در ارمنستان به صورت لوم (Lom) درآمد. چنددهه بعد در یونان به کولیا نام رم (Rom) داده شد، نامی که آنها آن را در اروپا و سایر نقاط دنیا برای خود نگه داشتند و در نتیجه از اصل خود جدا ماندند.

از روی تحول آوایی نامهای قومی کولیان (رها) می‌توان به سرمنشأ تاریخی آنها پی برد. به دلیل تحول واژه دم به رم اکنون واژه‌های بسیاری که با واج «ر» آغاز می‌شوند در زبان کولیان اروپا وجود دارد که معادل آنها در زبانهای هندی با واج «د» برگشته اداسی‌شود. حتی

۱- این صامت از طریق برگرداندن نوک زبان به بالا و بردن آن به سمت عقب تا حد لیس کردن سخت‌کام ادا می‌شود.

زبان غربی‌ترین گروه‌های کولیان اروپا شدیداً تحت تأثیر اوتراق آنها در یونان، که احتمالاً طولانی‌ترین اوتراق آنها بوده است، قرار گرفت و در این دوره بود که بعضی از همگونی‌های واژگانی و دستوری صورت گرفت که بعدها به تمام لهجه‌های کولیان اروپا راه یافت. واژه‌های زیر از ریشه یونانی هستند: دروم (جاده)، کارفین (میخ)، کلیدی (کلید)، کوکالو (استخوان)، پاپین (مرغابی)، پستالوس (نعل اسب)، تنوکس (دامن)، زومی (آش)، وامونی (سندان) و ایسوری (تک).

بسیاری از لهجه‌های کولیان اروپا دارای تکواژهایی از ریشه یونانی است، نظیر me که برای ساختن اسم مفعول از آن استفاده می‌شود (مثلاً remomé به معنای نوشته و pahomé به معنای یخزد، vezlimé به معنای گلدوزی شده) و تکواژ mo که جانشین پسوند pe- هندی است و هم اکنون به همین صورت تیز در بعضی از لهجه‌های کولیان اروپا یافت می‌شود. نمونه‌هایی از تکواژ mos- که از طریق آن می‌توان از فعل یا صفت اسم ساخت در زیر آورده می‌شود: pibé یا pimos به معنای آشامیدنی از pi (نوشیدن)؛ nevimos یا nevipé به معنای نوین از nevo (نو)؛ temimos یا temipé به معنای جوانی از temo (جوان)؛ barvalimos یا barvalipé به معنای ثروت از barvalo (ثروتمند).

از قرن چهاردهم به بعد با «بازدید» کولیان از کشورهای مختلف اروپا زبان آنها تغییر کرد و این تغییر گاه عمیق بود. زبان کولیان زبانی است غنی و قابل انعطاف که اسامی و افعال آن نظام صرف پیچیده‌ای دارند و عمل ارتباط را در سطحی وسیع ممکن می‌سازند. در لهجه‌های بالکان که نظام صرفی را در خود حفظ کرده‌اند، هر اسم مذکر یا مؤنث، مفرد یا جمع می‌تواند هشت حالت صرفی به خود بگیرد. اجازه بدهید نمونه‌ای از آن را در مورد کلمه جمع phral (به معنای برادر) در اینجا بیاوریم:

حالت فاعلی: phrala (مانند برادران آمدند)  
حالت اضافی: phralengo (مانند خاندان برادران)  
حالت مفعول باواسطه: phralengo (مانند او به برادران سلام کرد)  
حالت مفعول بیواسطه: phralem (مانند او برادران را دید)

حالت ندایی: phralale (مانند برادران!)  
حالت مفعول از: phralendar (از برادران)  
حالت اندری: phraleste (نزد برادران)  
حالت بائی: phralentsa (با برادران)

#### افعال دارای پنج زمان هستند:

زمان حال: kerav (می‌کنم)

زمان استمراری: keravas (دارم می‌کنم)

زمان گذشته: kerdem (کردم)

زمان ماضی نقلی: kerdemas (کرده‌ام)

زمان آینده: kam - kerva (خواهم کرد)

حالت صرفی اساسی زبان کولیان در اروپای شرقی تحت تأثیر زبانهای اسلاو موقعیتی بهتر برای بقا داشته است، زیرا در این زبانها نیز اسم به طور کامل صرف می‌شود. البته سایر لهجه‌ها، نظیر لهجه‌های مرده کولیان ویلز، نیز حالت صرفی را عمیقاً حفظ کرده‌اند. با اینهمه در اروپای غربی گرایش به از میان رفتن حالت صرف و جانشین شدن حروف اضافه در اسامی به جای حالت صرفی آنها بود. در بعضی از لهجه‌های سینتو در اروپای مرکزی از حروف اضافه‌ای که در زبان آلمانی گرفته شده‌اند استفاده می‌شود:

fon u pral (از برادر)

an u pral (به برادر)

mit u pral (با برادر)

واژگان زبان کولیان (زبان رومانی) با واژه‌هایی که از زبانهای اسلاو، مجارستانی، رومانیایی، آلمانی، ایتالیایی و سایر زبانهای اروپایی وام گرفته غنی شده است.

یکی دیگر از جنبه‌های انعطاف‌پذیری زبان کولیان در ساختن واژه‌های نو می‌باشد که گاه به نحوی شگفت واژه‌هایی از ریشه‌های متفاوت را با یکدیگر ترکیب می‌کند. برای مثال در یکی از لهجه‌های سینتو واژه svigardaj (به معنای مادرزن یا مادر شوهر) از ترکیب واژه هندی الاصل daj (مادر) با شکل اقتباس شده‌ای از کلمه آلمانی Schwiegermutter (مادرزن یا مادر شوهر) ساخته می‌شود. واژه ledomé (به معنای منجمد) در لهجه گروهی از کولیان مسلمان در جنوب یوگسلاوی ترکیبی است از واژه اسلاوی led (یخ) و پسوند me که همچنانکه قبلاً دیدیم از ریشه یونانی است.

به این ترتیب زبان کولیاها به جای اینکه رو به اضمحلال رود هم روند با سایر زبانهای مشابه تغییر کرده است. واژگان آن غنی شده و با نیازهای جدید، تغییرات حاصل در شرایط زندگی، زمان و محیط سازگار شده است. اما این امر بوضوح مشکلاتی را در برقراری

۱ - این نیز شاهد دیگری است در مورد گفته نویسنده مقاله مبنی بر وجود واژه‌های ایرانی در زبان کولیهای اروپا. - م.

ارتباط میان لهجه‌های گوناگون که به نحوی فزاینده در حال دور شدن از یکدیگر هستند ایجاد می‌کند. اینک ببینیم این لهجه‌ها کدامند.

حداقل دو سوم از سه میلیون کولیان جهان (این تخمینی است محافظه‌کارانه و آمار دقیق وجود ندارد) به لهجه دانوبی صحبت می‌کنند و ب. جیلیات - اسمیت انگلیسی که در این زمینه تخصص دارد آن را ولاکس vlah می‌نامد، اصطلاحی که بر سهم تأثیر زبان رومانیایی بر واژگان زبان کولیان تأکید بیشتری دارد، اما شاید امروز دیگر چندان مناسب نباشد. بعضی از گروه‌های کولیان اصیل زبان خویش را رها کرده، زبان همسایگان یکجانشین خود را اخذ کرده‌اند که یکی از نمونه‌های آن جانشین شدن زبان رومانیایی به جای روداری است. فهرست سایر لهجه‌ها، البته نه به طور جامع، در زیر آمده است. همچنین باید در نظر داشت که طبقه‌بندیهای جغرافیایی که امروزه به کار می‌رود صرفاً برای تسهیل کار است، زیرا این لهجه‌ها همراه با سخنگویان آنها در سراسر جهان پراکنده شده‌اند.

۱) گروه دانوبی (کالدراش، لووارا، کورازا، و غیره).

۲) گروه بالکان غربی (ایستری، اسلون، هارات، آریجا، و غیره).

۳) گروه سینتو (افتاواگارجا، کرانارجا، کراسارجا، اسلوک، و غیره).

۴) گروه لهجه‌های رم در ایتالیای مرکزی و جنوبی.

۵) بریتانیایی (ولش، که اکنون مرده است، امروزه فقط لهجه انگلیسی - رمانی باقی‌مانده که مخلوطی از انگلیسی و رمانی است).

۶) فنلاندی.

۷) یونانی - ترکی (وجود آنها به عنوان یک گروه جداگانه قابل بحث است).

۸) ایریایی (که امروزه به صورت لهجه کالو یعنی لهجه اسپانیایی - رمانی کولیان اسپانیا وجود دارد).

بنا بر نظریه‌ای که ر. ل. ترنر ارائه داده است، منشأ کولیاها را با در نظر گرفتن زبان آنها باید در هند مرکزی جستجو کرد. عده‌ای دیگر منشأ آنها را در شمال غربی هند می‌دانند. از آنجا آنها دائماً در حرکت بوده‌اند و همچنین به خاطر اینکه دست کم ده قرن از مهاجرت عظیم آنها از سرزمین مادری‌شان گذشته است، سختی می‌توان گفت که آیا منشأ آنها از پنجاب بوده است یا از جای دیگر. آنچه که بدون تردید می‌توان گفت وجود تعدادی واژه هندی در زبان این مردم به اصطلاح «اروپایی» است که برای معمولی‌ترین مفاهیم به کار می‌روند:

خانه: kher (هندی gher)

سه: rukh (هندی rukh)

کودکان کسولی در اردوئی در یکی از حومه‌های پاریس به نام ویله‌پیتت با راننده «مدرسه متحرک» که در آن درس می‌خوانند در حال سلام و احوالپرسی هستند. یکپارچه شدن کولیان با جامعه نوین معمولاً متضمن این امر است که آموزش با زبان کشور میزبان صورت گیرد. این امر می‌تواند منبعی برای غنی شدن باشد، مشروط بر اینکه به از میان رفتن هویت فرهنگی کولیان منجر نشود.



Photo: Michèle Biabio, Paris



Photo © Roger Vliet, Paris

تعدادی از متخصصان اشاراتی را که در کتابهای شکسپیر به کولیان شده است مشخص کرده‌اند. مثلاً در *توفان* نام کالیبان که یکی از شخصیت‌های تیره پوست نمایشنامه است صورتی از واژه کالین می‌باشد که در زبان کولیان به معنای «خائن» است. در نمایشنامه هرطور که بخواهید «ژاک دیوانه» سروی تصنیف می‌کند که واژه *duedame* سه بار در آن تکرار می‌شود. این واژه که ژاک آن را «وردی یونانی برای احضار احمقان گرد یکدیگر» می‌نامد، مدت‌های زیادی است که شارحان شکسپیر را گیج کرده است. این واژه در واقع صورتی مشتق شده از واژه *dukdom me* (به معنای با دیگران بدرفتاری کرده‌ام) یا *drukkerdom me* (من پیشگویی می‌کنم) در زبان کولیها می‌باشد. در *رومنو و ژولیت*، آنتونی و کلثوباترا و بیشتر از همه در *اتللو* نیز اشاراتی به کولیان شده است. در نمایشنامه *اتللو* «مغربی ونیز» متهم است که «با خریدن طلسمی از یک جادوگر» محبت دزدموثرا را به سوی خود جلب کرده است. *اتللو* نیز خود به دزدموثرا می‌گوید که دستمالی را که به عنوان وثیقه و فاداری به او داده است، و گم شدن آن فاجعه می‌آفریند، «یک زن مصری Egyptian که همان Gypsy یا کولی است» به مادر م داده است؛ او افسونگر بود و حتی می‌توانست فکر مردمان را بخواند». تصویر فوق نقاشی حکاکی شده *اتللو* و دزدموثرا اثر تودور جاسریو، هنرمند فرانسوی مدرسه انگر را نشان می‌دهد.

نمک: lon (هندی lon)  
 زمین: bhuv (هندی bhuv)  
 مرد: manus (هندی manus)  
 قاشق: roj (هندی doi)  
 سیاه: kalo (پنجابی kalo)  
 سفید: parno (در لهجه دردی panar یا parana)  
 جوان: lerno (هندی tarno)  
 راه رفتن: ga (هندی ja)  
 خوابیدن: sov (هندی so-)  
 خارج: avri (هندی bahir)

در سالهای اخیر اشتیاق مشخصی در کولیان کشورهای گوناگون برای اتحاد با یکدیگر پیدا شده است؛ این اتحاد جنبه سیاسی یا منطقه‌ای ندارد، بلکه مبتنی بر پایه‌های فرهنگی و منشأ و ارزشهای مشترک آنهاست. گرچه این حرکت هنوز محدود به محافل روشنفکری است، نشانه‌هایی بر رشد و گسترش آن به چشم می‌خورد. مسئله وحدت بخشیدن به زبان کولیان در کنگره‌های متعددی در پاریس، رم، ژنو و گوتینگن مورد بحث قرار گرفته است. فعلاً گرچه این خواستی مشروع می‌باشد چندان عملی نیست؛ وحدت بخشیدن به یک زبان نمی‌تواند با تصمیم‌گیری در یک مجمع عملی شود و برداختن به جنبه‌های نظری مسئله تمام کار نیست. از سوی دیگر گرایش وسیع و روزافزون برای

نوشتن به زبان رمانی (زبان کولیان) که تاکنون صورت شفاهی داشته پیدا شده است. نه تنها ترانه‌های کولیان و حکایت‌های آنان، بلکه اسناد «خصوصی» و حتی کارهای ادبی نه‌چندان فولکلوری و سنتی نیز به این زبان آوانویسی می‌شود. مجلاتی نیز به این زبان منتشر می‌شود و در یوگوسلاوی یک دستور زبان رمانی به همین زبان چاپ شده است. اکنون دیگر امتیاز مطالعه دستور زبان رمانی در انحصار دانشجویان غیرکولی نیست.

انتشار کارهای ادبی به زبان کولیان و تبلیغ برای استفاده از آن به صورت نوشتار، گرچه هنوز محدود به تعداد کمی از نهجه‌هاست، می‌تواند اولین گام به سوی وحدت و خودآگاهی میان این مردم باشد که در جستجوی خویش هستند.

امروزه این حرکت در تغییر نه‌همواره مثبت سیمای سنتی کولیان (چه سیگان، چه گیتان، چه زیگور و چه سیگان) و تبدیل آنها به اعضای کامل اجتماع مؤثر است و فرهنگ کولیان و ظرفیت ارتباطی زبان آنها نیز این امر را تقویت می‌کند. ■

جولیو سوراویا، ایتالیایی، دانشیار زبان‌شناسی در دانشگاه کاتانیاست. کتابهای چندی درباره نظریه زبان‌شناسی نوشته است و اکنون در زمینه تخصصی زبانهای کولیان مطالعه می‌کند. وازگان سینتور در ونیز جنوبی (۱۹۸۸) و دستور زبان کولیان خوراخانی (۱۹۸۳) از آثار او هستند.